

خشونت خانگی پس از جدایی والدین و بالاترین نفع کودک

Photo: zmijak//depositphotos.com

اسفندیار کیانی

با نگاهی به نظام حقوقی استرالیا (بخش آخر)

آنچه گذشت

در نوشته‌های پیشین ([قسمت یک](#)، [قسمت دو](#)) درباره شکلی از خشونت خانگی گفتیم که در قوانین سنتی بسیاری از کشورها مورد غفلت قرار می‌گیرد. «خشونت پس از جدایی»^[1]، به دلیل سکوت قوانین خانواده در بسیاری از نظام‌های حقوقی، در اشکال متنوع و نظام‌مندی اتفاق می‌افتد.

در سراسر دنیا هم برخی سعی در مقاومت در برابر تغییر قوانین و رویه‌ها و تثبیت نظم موجود، به بهانه‌هایی نظیر حقوق کودک و بهترین منافع کودک دارند. از این رو نگاهی انتقادی به منافع کودک، با توجه ویژه به مسئله خشونت خانگی در قوانین تازه، جایگزین کلیشه‌های سنتی^[2] شده است.

[به کانال تلگرام خانه امن بپیوندید.](#)

آن‌طور که دیدیم، پس از تغییرات بنیادینی که در سال ۲۰۰۶ در نظام حقوقی و قوانین حقوق خانواده استرالیا روی داد^[3] به مسائلی مثل حضانت کودکان با توجه ویژه به پدیده خشونت خانگی - به عنوان اصلی‌ترین عامل برای تصمیم‌گیری - توجه شده است.

در همین راستا نگاهی کردیم به شرایط برآورد و تقویم «بهترین منافع کودک» پس از جدایی والدین از هم. یکی از این شرایط در نظر گرفتن نظر کودک بود.

نحوه کسب نظر کودک

باید گفت قانون وظیفه مثبتی را برای کودک در این خصوص فرض نمی‌کند. یعنی کودکان ملزم به ابراز نظر نیستند. علت این امر مهیا کردن حداکثر محافظت از کودک در برخورد با نظام حقوقی است، یعنی عدم مواجهه و برخورد^[4].

دادگاه اما باید نظرات کودک را که آزادانه در گزارش‌های متخصصین آمده است مدنظر قرار دهد.

در واقع قاضی بدون داشتن تخصص و تجربه لازم در روان‌شناسی رشد و روان‌کاوی کودک و سایر حوزه‌ها، نمی‌تواند و نباید مستقیماً کودک را مورد پرسش قرار دهد.

مصاحبه با کودکان امری بسیار حساس و فنی است که باید تحت شرایط ویژه‌ای روی دهد. همین‌طور دادگاه برای محافظت از بهترین منافع کودک می‌تواند به درخواست خود کودک یا سازمان‌های مدنی یا «هر فرد دیگری»، وکیل و نماینده مجزا برای کودک در فرایند رسیدگی تعیین کند.

روشن است که کودک ممکن است اهلیت ورود به عقد وکالت را نداشته باشد و برای همین قانونگذار روشن کرده است که وکیل منصوب دادگاه برای کودک نماینده قانونی او نیست و وظیفه او بیشتر به یک گزارشگر بی طرف می‌ماند که باید با رعایت انصاف و بی طرفی، از حقوق و منافع کودک محافظت کند و البته آسیب‌های روانی و جسمانی مربوط به رسیدگی را کاهش دهد^[5].

در کنار این، قانونگذار در متن جدید قانون به دفعات «برای همه» (یا هر فرد دیگر) - چه از طرفین دخیل در رسیدگی و چه غیر از آن - وظیفه مثبت گزارش دادن موارد خشونت خانگی درباره کودک را مقرر می‌کند تا بدین ترتیب - در کنار موارد دیگر - حساسیت جامعه را نسبت به خشونت خانگی و آثار آن بر کودک و والدین بالا ببرد.

ضرورت تحول در حقوق خانواده

همان‌طور که دیدیم، قوانین حقوق خانواده حتی در نظام‌های «کامن لا» ممکن است به روز نباشند و از این رو قوانین در سایه یافته‌های

جدید و درک نوی جامعه - از مسائلی نظیر خشونت، نفع کودک و... - باید به روز رسانی شوند.

این ضرورت در نظام قوانین نوشته پررنگ تر است. غفلت از خشونت پس از جدایی امری بسیار خطرناک و تهدید کننده جان، روان و اموال و منافع کودکان و البته در بسیاری موارد خود والدین است.

از آنجایی که پس از طلاق، امکان وقوع خشونت‌های سیستماتیک و غیر مستقیم بسیار بالاست، واکنش قضایی و قانونی به این شکل از خشونت هم باید دقیق و هوشمندانه باشد. برای درک و گنجاندن مفهوم بهترین منافع کودک، پس از انحلال نکاح، مفاهیم رفاه،^[6] بهزیستی و آسایش کودک، در کنار استمرار رابطه معنادار با والدین در نبود خشونت، بسیار راهگشاست.

بیشتر بخوانید:

[حق سلامت کودکان: معیارها چگونه باید تعیین شوند؟](#)

[تعیین مجازات برای جرایم خشونت خانگی و معیارهای آن](#)

[نقش ناظر خشونت چیست؟](#)

از این روست که قوانین کشورهای بی‌شماری دستخوش تغییر شده‌اند.^[7]

از جمله مهم‌ترین این تغییرات و نوآوری‌ها که - هم در قوانین منعکس شده‌اند و هم در رویه - می‌توان به نقش « وکیل کودک » و نماینده مستقل او و استثنای حل اختلاف از طریق میانجی‌گری در صورت وقوع خشونت خانگی اشاره کرد.

این تغییرات، به جهت پیچیدگی‌های مسئله خشونت خانگی، بار سنگینی به دوش وکلا و قضات قرار می‌دهد تا با افزایش مهارت، تخصص و آگاهی در این خصوص از حقوق کودکان محافظتی شایسته به عمل بیاورند.^[8]

در پایان باید یادآوری کرد که مطالعات نشان داده‌اند خشونت‌ورزان چه در خلال جدایی و چه پس از آن، کودک را دستاویزی برای اعمال خشونت غیر مستقیم علیه مادران قرار می‌دهند. استفاده ابزاری و شیء انگاری کودک از شنیع‌ترین اشکال خشونت خانگی است و نباید از این پدیده چه در تنظیم قوانین و چه در مقام اجرا، چشم پوشید.^[9]

^[1] 'Post-separation Violence'.

^[2] مانند کلیشه سپری کردن ۰۵/۰۵ طول هفته با پدر و مادر، صرف نظر از بروز خشونت علیه هریک از والدین یا کودک.

^[3] Family Law Amendment (Shared Parental Responsibility) Act 2006, available online <https://www.legislation.gov.au/Details/C2006A0004>

^[4] The Act, 60CE, the Act, 'Children not Required to Express Views'.

^[5] برابر قانون، وکیل موظف است تا تلاش کند آسیبی (از هر نوع) به کودک در فرایند رسیدگی نرسد. این وظیفه، حسب مورد، می‌تواند به معنای مشاوره با روان‌شناس، روان‌کاو و سایر متخصصان باشد که مورد اعتماد وکیل هستند و در فهم و درک آثار و تبعات خشونت مفید. نک:

The Act, 68LA, Role of Independent Children's Lawyer, 5(d), "[the independent children lawyer must] endeavour to minimise the trauma to the child associated with the proceedings".

^[6] 'Welfare and well-being'

^[7] برای نمونه در سایر نظام‌های کامن لا، مثل نیوزیلند، کانادا و... نیز این تغییرات در حال رخ دادن هستند. مثلاً برای مطالعه‌ای در کانادا نک:

Hughes, Judy, and Shirley Chau. "Children's Best Interests and Intimate Partner Violence in the Canadian Family Law and Child Protection Systems." *Critical Social Policy* 32, no. 4 (2012): 677-95.

^[8] به عنوان نمونه‌ای از اطلاعات که وکلا (در نظام حقوق خانواده در آمریکا) باید از خشونت خانگی داشته باشند تا بتوانند منافع کودکان را بهتر بسنجند و از آنان دفاع کنند نک:

Hamel, John. "In the Best Interests of Children: What Family Law Attorneys Should Know About Domestic Violence." *Journal of the American Academy of Matrimonial Lawyers* 28, no. 2 (2016): 427-54.

در نظام حقوق خانواده در ایران هم تهیه دستورالعمل و راهنما برای وکلا در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد.

^[9] Hayes, B. E. (2012). Abusive men's indirect control of their partner during the process of separation. *Journal of Family Violence*, 27, 333-344.